

رسوی عقاوه

بر اثر فتحعلی‌خان

تکراری است میدانم . چندبار هم نوشته‌ام . هر ساله
هر باره ، در بررسی کارنامه تئاتر منتقدان ، مسئولین ،
بازیگران ، کارگردانها در نوشهای مصاحبه‌ها و مصاحبه‌های شان تکرار
میکنند :

تئاترا مکانات میخواهد . تئاتر تالار میخواهد . نور
و صدا میخواهد . وسایل کریم میخواهد . لامپ میخواهد .
متن میخواهد . آموزش میخواهد . پول میخواهد . تماشاگر
میخواهد ...

تئاتر نیاز به کمک دارد . یا ورمیخواهد ، رفیقداره میخواهد
دلسوخته میخواهد ...

اگر تئاتر در شهرستانها نفسی میکشد و گاه بیگانه حرکتی
میکند ، بدلیل شیفتگی دست اندر کارانش می باشد ،
بدلیل وابستگی فرهنگی با نفس صحنه است ، بخاطر ساختن
دل است ، شمع وجودشان را ذره ذره برای تئاتر آب میکنند
تاشاید ...

"مرکز هنرهای نمایشی" امروز توانمندتر از سال‌هایی
که گذشته است ، بار دیگر اعلام آمادگی کرده است .
میخواهد میداندار باشد ، اولین کتاب در آمده است ،
نامیرانمایش برگزیده پنجمین جشنواره سراسری تئاتر
فجر - وعده چند نمایش نیز داده شده است - "نمایش در شرق -
صحنه آرایی و ... الباقی - دفتر پژوهشها کار میکند -
محله نمایش شماره ۴ را ورق زده ایم - پانزده روز تئاتر
رابه رایگان در خانه مان داریم .

خبر وصول و خوشحالی چنده جلد کتاب از اکثر شهرستانها
رسیده است - و میدانیم که معاونت فنی مرکز نیز در پی
جمع و جوگردان و ارسال لامپ و پروژکتور و آکسسور و ...
در حدا مکاناتش به شهرستانهاست .

جشنواره ، امسال رانه به تعارف - در عمل - پر بارتر
دیده ایم . حس کرده ایم و شما این رابه ما گفتید ،
و این راه هموار نمی شود مگر با "ما" شدن و بریدن از "من"

شنبه ۱۲ بهمن ۷۲

شنبه ۱۲ بهمن



شماره

۷

الله عزیز
ششمین دوره
سراسری تئاتر فجر
بهمن ۷۲

انتشارات روابط عمومی ستاد
برگزاری شعین جشنواره
سراسری تئاتر فجر

لصوص باز؛ محمد حفظی سرگفت تاریخ شهر

کارگردان - نویسنده و کارشناس تاتر

س - آقای عفری عده‌ای از هنرمندان معتقدند که تاردرا ایران مرده است نظرشما چیست؟

ج - بین کدام هنرمندان؟
؛ - هنرمندان تاتر.

ج - به نظر من اگر کسی بگوید هنر تا تر مرده است پاکلا "هنر مرده است، یا هر عبارتی از این دست اصلاً "هنر مند نیست، چنین فرد با هنر و تاریخ هنر بیگانه است. در طول تاریخ بارها هنرها مختلف بدلا لی که شرح آن در اینجا امکان پذیر نیست تخطی شده اما هیچ‌گاه از میان نرفته است و هر بار که سعی در قطع ریشه درخت تناور هنر کرده است، این درخت در جای دیگر وزمانی دیگر جوانه کرده، و خود را پر بارتر نشان داده است. هنرمند، امکان دارد به دلایل گوناگون تحت فشار بباشد اما هنر در هر حال و هوای زنده خواهد بود و در کل تصور نمی‌کنم هنرمندی این حرف را زده باشد.

س - تاتر شهرستان را در طول این جشنواره چگونه دیدید؟

ج - خیلی خوب و پر بازی بود. کم و بیش من در جریان کار بجهه‌های سراسر مملکت مان هستم و می‌بینم که با چه روحیه خوبی در جشنواره شرکت کرده اند و کارها یشان را عرضه می‌کنند. نسبت به کارهای مدیکرا نقاد می‌کنند. علی‌رغم اینکه به کارهای عشق می‌ورزند انتقاد می‌کنند. نقاط ضعف کار را اگر لازم هست عنوان می‌کنند و نکات

ثبت را خیلی دوست آنها بازمی‌گویند و تذکر میدهند. و در کل برخور دسانده‌ای دارند و امیدواریم که این برخور داندیشه‌ها و نگرشها نسبت به هنریک زبان واحد در هنر نما یشنا مه نویسی ما بوجود آورد. که همه مابه امید آن روز زندگی می‌کنیم و باعث شود که زبان خاص نمایش خودمان بوجود بیاید.

س - شفا چرا کم کار می‌کنید؟ و اگر کار می‌کنید ترجمه‌است؟

ج - من کم کار نمی‌کنم! شیانه روز تاتر کار می‌کنم. در فروردین ماه ۱۵ من نمایشی را شروع کردم و در فروردین ماه ۱۶ اجرا کردم تا خرداد ماه، ۱۵ ماه کار کردم، در سه ماهه اول نمایش آماده بود ولی نزدیک یک سال مرا می‌دواندند برای اینکه اجر اصورت بگیرد.

بالاخره هم اجر اش داشت. اگر باید این نمایش اجر می‌شد چرا شد؟ و اگر باید می‌شد چرا مرا اینقدر دوام نداشت. اما در طول این مدت من بیکار نمایند کار می‌کردم کار دیگری، و دنبال اجرای نمایش قبلی هم بودم، ما کم کار نمی‌کنیم اما اشکالاتی که وجود داشت و امیدواریم که من بعد از جو و داشته باشد. باعث می‌شد که مانند وانیم عرضه کنیم. من همه کارها یی را که داشتم ترجمه نبوده است کار جوان تازه کار راه کار کرده است حتی نویسنده تازه کاری بوده که متن اول شرای نوشته و من کار کرده است. چندی قبل من نمایشی را اجر اکردم به نام عنکبوت، یک جوان بیست چند ساله ای این متند نوشته بود من خواندم و اشکالات را رفع کردیم و بعد من اجر کردم. ابائی نیست که من کار جوانها را دست بگیرم. خیلی هم علاقمند هستم. منتهی باشد آن خلاقیت اولیه، آن دانش اولیه، استعداد اولیه در کار باشد و اعمرا تلف کردن است.

س - تاتر ما در جهان در چه جایگاهی قرار دارد و چرا ما در جشنواره‌های جهانی شرکت نمی‌کنیم؟

ج - بخارا این است که مسئولیین تصمیم خود را در باره تاتر نگرفته اند. تاتر دچار نارسائی

های زیادی در این مملکت هست و بر میگردد به آن حرف اولی که میگوئید هنرمندان گفته‌اند تا ترمرده است. شاید همین باعث شده که آنها بگویند تا ترمرده است. تئاتر خود تکلیف خودش را معلوم میکند هر چند که مخالف داشته باشد - یا موافق، راه خودش را ادامه می‌هدورشد میکند، گسترش پیدا میکندوا میدوازم که درست پیدا کند و در جشنواره‌های جهانی هم حضور فعال و چشمگیر داشته باشد.

س - علت گرایش اکثریت هنرمندان قدیمی تا تربه سینما چیست؟

ج - این امر مختص هنرمندان قدیمی تا تربه نیست، هنرمندان جدید هم به این پیدمی دچار شده‌اند. بطور کلی سینماتعاشا جی بیشتری دارد به دلیل خصوصیات خود.

سینما مانندی تراست و تا بعد از اینکه اجرای تماشداز بین می‌رود، حفظ نکردن و نگهداری نکردن از این هنر باعث می‌شود که هنرمندان عمر خودش را تلف شده بپندارد. در صورتی که چنین نیست و ما می‌توانیم تا تراهم حفظ کنیم تا ماندگار شویں سینما، و می‌توانیم آنرا آرشیو کیم. هنرمندان تظاردار دکه کارش حفظ شود و گسترش پیدا کند وقتی در یک مقطع تاتری رابه مسئولین عرضه می‌کنیم و آنها را با اکراه محوز می‌دهند و گاهی به ۱۳۰ جراحت راضی می‌شوند که بعد از آن تقلیل پیدا میکند و مانع از این می‌شود که ادامه پیدا کند طبیعتاً هنرمندان احساس میکنند که عمرش تلف شده است. و هنرمند که میخواهد استعدادهای خود را شکوفا کند و روش را جلادهد و روی دیگران تاثیر بگذارد و تاثیر بپذیرد وقتی نمی‌شود طبیعتاً گرایش پیدا میکندیه طرف سینما.

ودوم اینکه سینما مقدار زیادی از نظر مادی، اراضی کنده است و با این تنگی اقتصادی که وجود دارد تا ترجوا بگوییست طبیعتاً "گرایش بطرف سینما زیاد می‌شود.

س - چرا هنرمندان قدیمی در این جشنواره به تکرار گذشته خود پرداخته‌اند و خودشما چرا ایندر -

جشنواره شرکت نکرده‌اید؟

ج - والله مسئولیتی که الان در تئاتر شهر به عهده من گذاشته شده بیشترین مانع را داشت اما احساس اینست که اگر هم اینکار نبود بار هم سخت می‌توانستم که شرکت کنم. بخارا اینکه جشنواره عرصه رقابت بین بجهه‌های غیر تهرانی است و نه عرصه رقابت بین بجهه‌های تهران و شهرستان. چون در شهرستانها بشدت کمبود و نارسائی وجود دارد و این نارسائیها باید از بین برود، بعضی تلقی اشان اینست که امکانات ناچیزی که در تهران هست گرفته شود و بجهه شهرستانها داده شود که این غلط است شهرستانها را باید اماکنات وسیعتری داد و نه اینکه در واقع امکانات اندک تهران را هم گرفت و آنها را هم راهی فیلم و سریال کرد.

س - نقاط ضعف و قوت جشنواره را در چه می‌بینید

ج - این سوال را از من نباید بپرسید ماتمام امکانات موجود را در اختیار گذاشتیم. برای اینکه به بهترین وجه این جشنواره برگزار شود و تصور من اینست که تا آنچه می‌توانستیم سعی - کردیم بجهه‌های را راضی نگهداشیم. به حال تمام امکانات را در اختیار گروههای میهمان گذاشته ایم. و جز این کاری نمی‌توانستیم بکنیم.

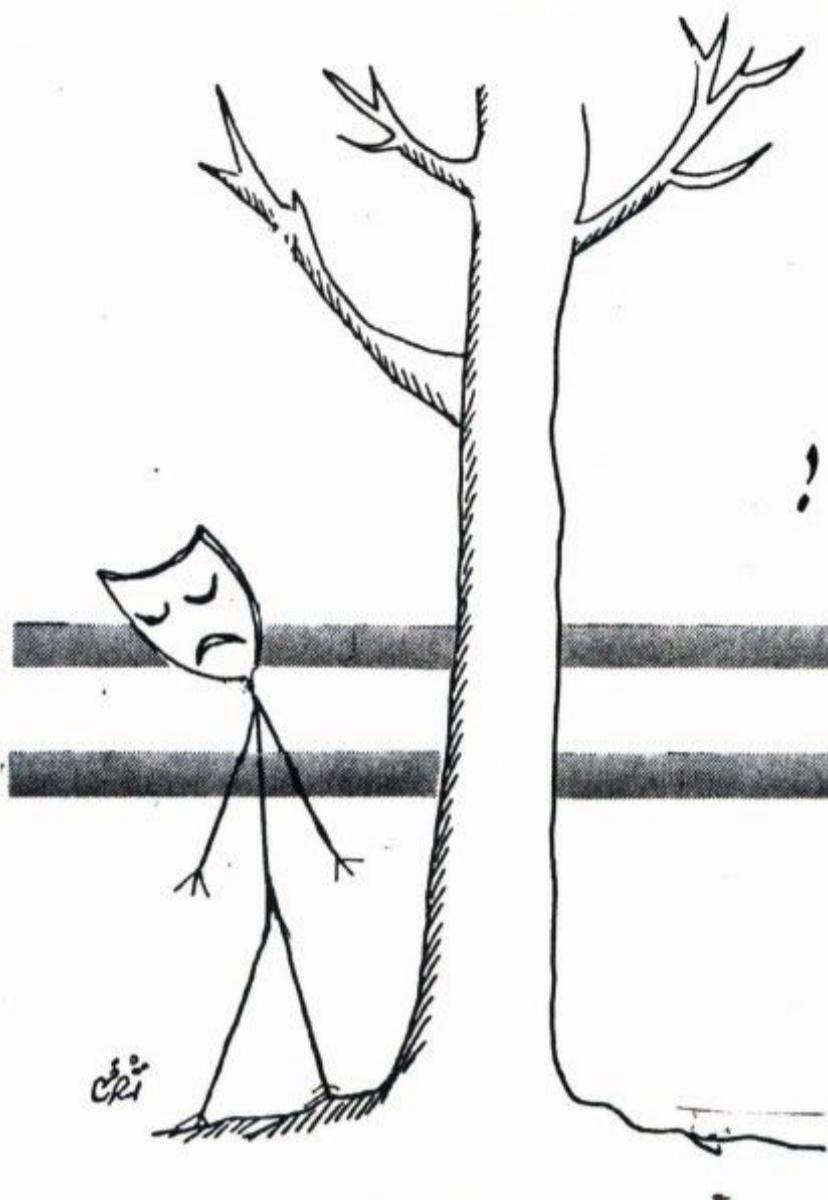
س - شما بعنوان یک هنرمند قدیمی تا تربه بجهه‌های شهرستانی که میهمان مادران این جشنواره هستند چه پیامی دارید؟

ج - اینکه بجهه‌ها عموماً "نظرشان اینست که امکانات وجود ندارد" اینرا خود من هم توضیح دادم اما امکانات دادنی نیست گرفتنی است. گرفتن این امکانات راههای مختلف وجود دارد. ما قبل از این بهمین صورت بود که کار میکردیم و عرضه میکردیم. واين حرکت مدام مسئولین را و اداره میکرد که امکاناتی را برای مادران نظر بگیرند و به ما بدهند، برای اینکه کار کنیم و جز این هیچ راهی وجود ندارد ضمناً! اینکه از یک طرف باید این امکانات داده شود و این مربه هر دو طرف مربوط می‌شود از یک طرف به مسئولین و از سوی دیگر به بجهه‌ها.

نصر الله قادری

قلب کویر میهمان مرتد، مکنده از دید میمرو!

پای صحبت بچه‌های کویر.



از سرزمین گرما و نمک آمده‌اند، از قلب کویری خشک و سوزان با چهره‌هایی سوخته و دلها بی‌آتش نشسته‌اما عاشق و بیقرار، آمده‌اند تا در این جشن بزرگ سهم کوچکی را بهده بگیرند. "میهمان" اند، انتظار زیادی ندارند. فقط میخواهند کار کنند. همین، از سمنان آمده‌اند. شهر فرهنگ و هنر، غریبند چون شهرشان حرفی دارند اگر پژواکی داشته باشد.

اداری ۸ ساعت کار اداری انجام دهم و در این میان اگر دو دقیقه برای انجام کاری به اداره مرکزی بروم برایم تأخیر می‌زند، اینها که عرض کردم مسئله داخلی اداره است. غیر از اینها مسئله بیرونی هم هست. ما سالن نداریم. امکانات اصلاً نداریم. حتی یک پرژکتور نداریم. چند تایی هم که هست لامپ ندارد. وسایل مقدماتی کریم نداریم.

● تا آنجایی که من اطلاع دارم شهر سمنان سالن بسیار خوبی داشت که گویا از بین رفته است. علت از بین رفتن آن سالن چه بود؟

● ج: اگر منظورتanh سالن بیمارستان فاطمیه است در اثر یک سهل انکاری سوخت. و کلاً از بین رفت و فرو ریخت و متأسفانه این لحظه هم مشخص نشد که مسئول این آتش سوزی و تخریب چه کسی بوده.

● آقای به‌آئین شما بعنوان تنها کارمند رسمی این گروه که در ارشاد کار می‌کنید بفرماید در سال چند نمایش در سمنان به صحنه می‌رود و سمنان چند گروه نمایشی دارد؟

● لطفاً "شما به عنوان سرپرست گروه، خودتان را معرفی کرده و بفرمایید که چند سال سابقه کار دارید؟
ج: بسم الله الرحمن الرحيم - خسرو به‌آئین هستم و حدود ۱۵ سال سابقه کار تئاتر دارم.

● از تئاتر سمنان بگویید؟
ج: از چه بگویم از کوه مشکلات. می‌دانم که همه شهرستانها بدون استثناء یک سری مشکلات دارند. اما مهمترین مشکلهای که در شهر خودم با آن درگیر هستم اینستکه اولیاً مور باید بیکری مسائل هنری باشند که تئاتر هم بخشی از آن است. الان آنطوری که باید به آن نمی‌پردازند در سمنان بسیار صورت مرکزی هست به نام مرکز هنرهای نمایشی که خودم شخصاً در آنجا همه کاره هست. یعنی باید همه کارها را خودم انجام دهم. درست است که کمبود پرسنل هست و ما اینرا پذیرفتیم ولی مسئله امکانات هم مطرح است، اینکه یک چهار دیواری را برداشته و اسمش را گذاشته اند مرکز هنرهای نمایشی بدون هیچگونه امکاناتی، من فکر نمی‌کنم این صحیح باشد. یکی دیگر از مشکلات عمدۀ ما اینکه باید مثل کارمندان

کرده‌اند اما یک تیر وسطیک سالن، وضعیتی را بوجود آورده که بجهه‌ها حتی نمی‌توانند تمرین بدنسی کنند. تا چه رسید به اینکه بشود با آنها نمایشانه کار کرد.

همه چیز بهم پاشیده است و فقط برای رفع تکلیف و اینکه بهر حال بودجه‌ای را که رسیده را باید خرج کرد کاری می‌کند. بدون اینکه از کارشناس نظر بخواهد. جدای از این مارا هم تحت فشار می‌گذارند. همین فشاری که فعلاً "حاکم است. اداره اصلاً" پیگیر قضايا نیست. درست است که ما کلاس‌هایی برای کردیم و فلسفه هنر، تاریخ تئاتر جهان، واحد عمومی تئاتر، فن بازیگری، گریم، دکوراسی و ... را درس می‌دادیم از چههایی که در تهران دوره دیده بودند استفاده می‌کردیم. وقتی اداره حتی به این کارها سرکشی هم نمی‌کند چگونه می‌شود انتظار داشت که تئاتری باشد. و کسی ماندگار شود.

● لطفاً "شما خودتان را معرفی کرده و بفرمایید که ارزشیابی در مرحله اول و دوم چگونه بود؟

ج: به نام خدا - من مهدی رحیمیان کارگردان نمایشانه هستم. عرض کنم با توجه به متونی که ارائه شده بود و متنها بی که از این میان انتخاب شد شاید بشود ادغان کرد که خیلی خوب و منطقی بود، اما در رابطه با مسئله‌ای که دیگران مطرح کردند این نکته را ضروری می‌دانم که عرض کنم که در بعضی از مراکز استانها معطلات فرهنگی از کanal شورای فرهنگی حل و فصل نمی‌شود. با توجه به اینکه ما از شهری آمد هایم که مرکزیت استان را سالهای سال است که یدک می‌کشد.. و شورای آزاد و نان - شورای اصناف - شورای ده - شورای گوشت و شوراهای دیگر را دارد. شورای به این مهمی را تا این لحظه متأسفانه نداریم. تقاضای ما در وحله اول اینستکه اکر امکانی هست از طریق مقام وزارت سازمانهایی را که مسئول و مجری این برنامه هستند به آنها امکانی داده شود و ترتیبی اتخاذ شود که این شورا بوجود آید.

● رضا دلاور یکی از بازیگران گروه نمایش سمنان در مورد خود و تئاتر می‌گوید:

ج: قبل از انقلاب سه سال کار کرده‌ام و دیگر کار نکردم تا سه چهار سال پیش ببینید وقتی امکانات باشد فکر ما آسوده است و می‌توانیم کارهای بهتری را ارائه دهیم. وقتی ما حتی یک سالن تمرین نداریم از ما انتظار دارد که تئاتر داشته باشیم. من وقتی سالن شهرمان را با سالنهای تهران مقایسه می‌کنم می‌بینم که ما واقعاً "هیچ نداریم". و این برای من مسئله

رج: بهتر است از کارهایی که خودم انجام داده‌ام بگویم. من فقط توانستهام در مرکز هنرها یک شورایی را تأسیس کنم که نمایشانه را بخواند و بازبینی کند البته در سطح استان، کردم. می‌دانید حیلی بهتر است که ما خودمان شورا داشته باشیم تا نمایشانه را به تهران بفرستیم چرا که متن ارسالی حالا یا خوانده شده یا شده بعد از مدتی با یک پاسخ مثبت یا منفی برایمان بازگشت داده می‌شد. گاهی که پیگیری می‌کردیم می‌فهمیدیم که اصلاً "متن خوانده شده، بخاطر همین تصمیم گرفتیم که شورایی را تشکیل دهیم". این شورا مشکل از سه نفر کارگردان و بازیگر با سابقه است که راجع به تکنیک کار نظر می‌دهند و دو نفر هم هست که راجع به محتوی کارها نظر می‌دهند. برای محتوی از رئیسی انتشارات اداره استفاده کردیم که البته از شناس ما آدم اهل فن و دانشمندی درآمد. یکی دیگر از کارها هم کلاس‌های ۶ ماههای بود که گذاشتیم و متأسفانه موفق نبود. چون همانطوری که دوستمن گفتند بجهه‌ها با این کارهای اضافه‌ای که خارج از اداره دارند نمی‌توانند برای آموزش حاضر شوند. حالا وقتی مسئله جشنواره پیش می‌آید خب از روی ناچاری می‌آیم و کسی را انتخاب می‌کنیم که فقط تیپ خاصی دارد. با هر زحمتی که هست او را آمده می‌کنیم و بقول معروف یک "سترکاولنگی" که از آب درآمده را راهی می‌کنیم هر چند که کار درستی نیست. این برنامه‌های پیشنهادی ما مثلاً همین کلاسها باید از طریق اداره پیگیری شود چون منکه قدرت اجرائی ندارم. چون شهر من کارشناس هم ندارد. برای خود من ابلاغ مسئول مرکز هنرهای نمایشی را هم داده‌ام. مسلم است که با این وضع سالی یکبار بیشتر به صحنه نمی‌آید.

● تا آنچه‌ای که من اطلاع دارم، مرکز آموزش هنر و رازت ارشاد دانشجویی را که آموزش داده قرار بود که به مرکز شهرستانها اعراج شده و کار کند. و گویا کسی هم به سمنان آمده چرا با کمبود نیرو از او استفاده نکردید و بازگشت؟

ج: باید از خودش پرسید. وقتی امکاناتی نیست. شما حساب کنید کسی که از تهران آمده و به صورت از امکاناتی برخوردار بوده، که منظورم امکانات آسایشی از لحاظ مسکن و اینها نیست. امکانات کاری را مطرح می‌کنم. اینها وقتی نباشد طبیعی است که بر می‌گردند. مثلاً "اداره آمده و یک سالن جدیدی را ساخته آنها حتی از من بعنوان مسئول مرکز هنرها سوال نکردند که این ساختمان چه فرمی باید داشته باشد و آمد هاند و وسط آن تیری را زده‌اند که همه امکانات را می‌گیرد، خرج زیادی

الان در شهر ما تئاتر مرده است و سالگردش هم تمام شده است. غنچه هایی هم که قبل از نشاء شده بود هم اکنون در حال شکفتند اگر به فکر این غنچه ها نباشدند آنها هم پر پر می شوند. کویر است و باد بی رحمی دارد. شاید خاک کویر عمده شهر ما را پوشانده که ما را فراموش کرده اند.

«آقای شفیعی شما به عنوان نویسنده نمایشنامه حرف خاصی ندارید؟

— ما الان ۶ متن آماده اجرا داریم و چند متن آماده کار- فقط انتظار داریم که به ما امکانی بدهدند تا بتوانیم کار کنیم. شما حتی اگر معلمی را به روستایی بفرستید برای تدریس ابتدایی باید برایش تخته سیاهی آماده کنید. تخته سیاه روستایی ما را هم فراموش نکنید تا سیاه مشق های کنج طاقچه های اطمأن نمی سود.

از منوجهر شفیعی نویسنده نمایشنامه در رابطه با مشکلات کار سوال می کنم می گوید:

مشکلات را که آقای به آئین فرمودند. ما در واقع هیچ نداریم وقتی هیچ نداریم چه بگوییم. خوب است که مرکز یک استعلامی از شهر ما بکند که ما اصلاً چی داریم؟

رحیمیان: شما را بخدا نگذارید این کورسی چراغ هم به خاموشی نشیند.

به آئین: بهر حال ما هم سالها خاک صحنه خورد هایم و هر فدایکاری را انجام داده ایم. نشود که ما هم مجبور شویم که مرکز نشین شویم — قلب کویر همچنان می تپد نگذارید . بعیرد.

ایجاد کرده است.

مشکل دیگر اینکه من گذشته از کار هنری، در یک کارخانه هم کار می کنم چون مشکلات زندگی خیلی زیاد هست و از این طریق که چیزی به ما نمی دهنند، ما با هنر از دغدغه، با کار و کلنچار زیاد و با همه خستگی که دارم باید بسیام و روی صحنه هم کار کم. و این کار تنها بخاطر تعهدی است که به تئاتر دارم، و گرسه رها می کردم و می رفتم. اگر اداره تئاتر بتواند برنامه ریزی بکند که این نیروهای پراکنده را جمع کند در اداره امور هنری واقعاً لطفی کرده است. چون ما حتی برای آمدن به جشنواره هم مشکل داریم و اگر بخسامه وزیر نبود کارخانه خیلی راحت می توانست با آمدن مخالفت کند. خوب با این وضعیت اصلاً "تئاتری در شهرستان وجود ندارد".

علیرضا عم الدین از دیگر بازیگران گروه می گوید: حدوداً ۱۱ سال که کار تئاتر می کنم و بازیگر هستم. متسافانه کسی که کار تئاتر می کند هنوز از شهر ما به این مرکز راه پیدا نکرده است. البته خیلی خوب است که کسی بباید و سهمیه ای داشته باشیم و آموزشی ببیند و برگردد و فعالیت کند. اما نا حالا که نبوده است. عده ای هم که از طریق کنکور سراسری به دانشگاه راه می یابند بدليل مشکلات عدیده حاضر به بازگشت نیستند.

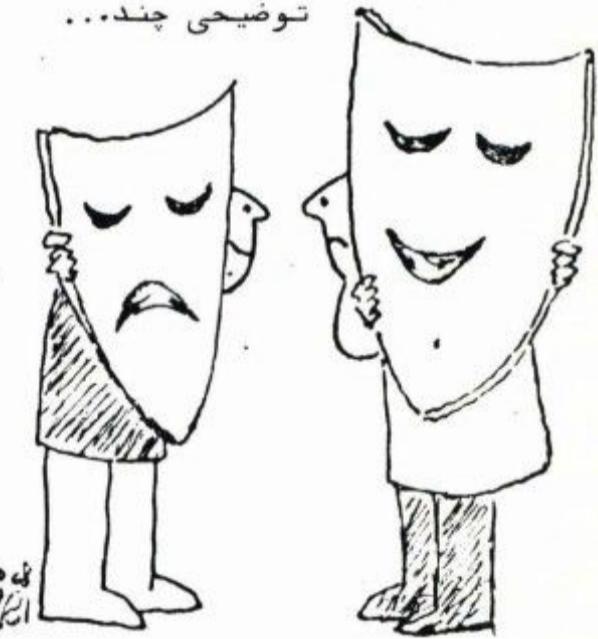
علیرضا گروه بازیگران رضا دلارم است او می گوید: نعر دیگر گروه بازیگران رضا دلارم است او می گوید: مسائل کلی را برادران گفتند. ما انتظار داریم که به شهر عربیت زده و فراموش شده ما هم عنایتی داشند. چراکه

انتخاب نشده، ما از بعضی نمایش های موجود در جشنواره قوی تربوده است و این مورد را "پارتی بازی" نام نهاده بودند.

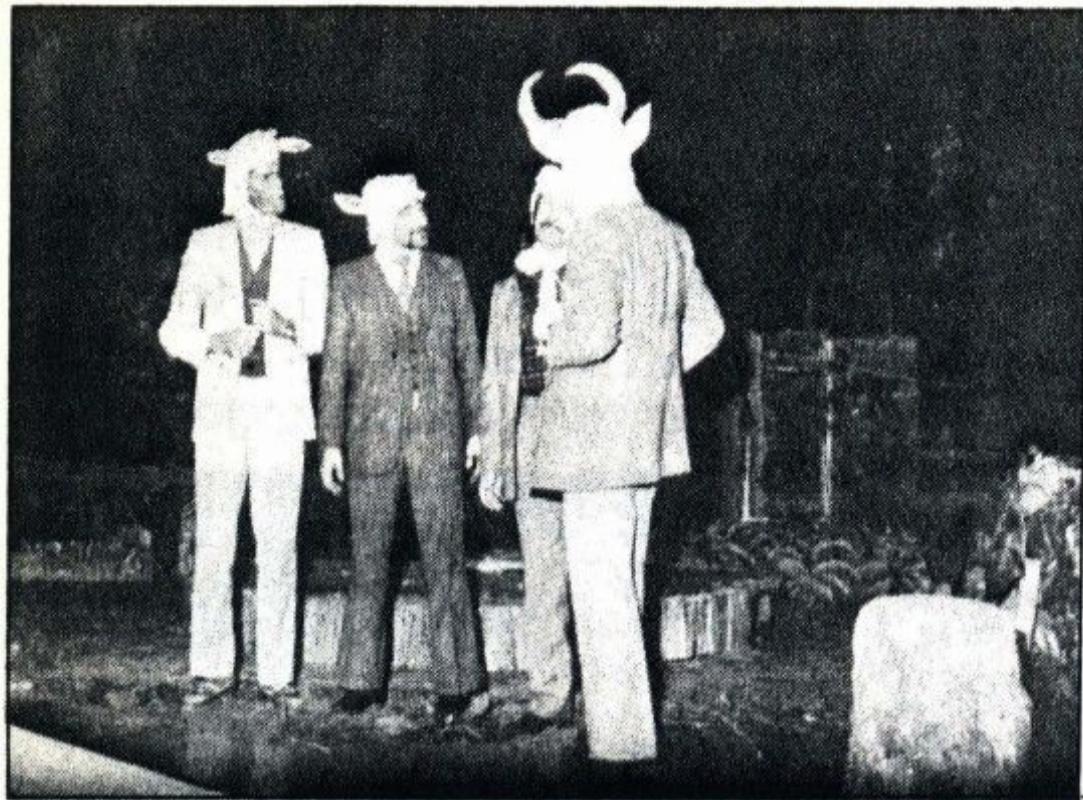
گفتم: این چنین نبوده و نیست. هر کارشناسی منطقه ای را دیده و داوری کرده و بدیهی است که در این میان ممکن است نمایش هایی بسا امتیاز پائین در جمیع و با امتیاز بیشتر در منطقه به حشنواره راه پیدا کند.

این مشکل تازمانی که دبیرخانه دائمی برای جشنواره بوجود نیاید و تازمانی که حداقل چند ماه قبل از جشنواره گروه ها اعلام آمادگی نکنند و هیئتی مشکل همه کارهاران بینند، وجود خواهد داشت. به امید حل این مشکل.

توضیحی چند...



بچه های گرگان با صفا و صمیمیت خود سوال می کردند و می گفتند. که نمایش های



نهی به نمایش سه "پاران"

محمد رضا حسن بیگی

مقتضیات شرایط اختناق است و معمولاً" وقتی در جامعه‌ای آزادی کافی برای طرح موضوعی وجود نداشته باشد، هنرمند برای القاء مفاهیم موردنظر خود به اینها و اشاره متول می‌شود. و حال آنکه در شرایط حاضر، با توجه به آزادی‌های موجود، "خصوصاً" که داستان نمایش کنایه‌ای به نظام سرنگون شده، شاهنشاهی دارد، بهره‌گیری از شیوهٔ بیان استعاری ضروری . نمی‌نمود و علاوه بر آنکه نقشی در انتقال دیدگاه‌های نویسنده نداشت، در مواردی مانع کار وی نیز بود. از این گذشته، بخشی از تئاتر که به صورت اسلاید به نمایش گذاشته شد، تا حد زیادی به زحمات کارگردان لطمه زد و باعث شد تاداستانی که روایی عادی داشت و خوب هم پیش می‌رفت حالتی شعار - گونه پیدا کند. اما به مصدق: عیب می، جمله‌ی گفتی هنرمند نیز بگوی، لازم به ذکر است که تقریباً "اکثر بازیگران تسلط فوق العاده خوبی بر نقش خود داشتند و در این میان حتیماً" باید اشاره‌ای به این‌گاهی نقش فریبرز زیده سرایی، فرخنده میر معنوی، فرانک زیده سرایی و پریسا پورصفیری نمود و همچنین از دکور خوب نمایش پاد کرد که در تجسم پخشیدن به فضای موردنظر کارگردان نقشی بسیار حساس و اساسی داشت. تعداد زیاد بازیگران این نمایش که به ۱۲۰ نفر میرسید نیز اگرچه در شروع نمایش به نظر میرسید که کارگردان را با مشکل روپرتو سازد، اما طراحی دقیق نمایش توسط کارگردان باعث شد تا تعدادی از بازیگران، با وجودی که نقش چندانی در داستان

کارگردان و نویسنده: رضا میرمعنوی
تاریخ و محل اجرا: پانزده بهمن ماه ۶۴ - تالار هنر

خلاصه داستان:

در یک جنگل، بجهه‌آهی توسط شیر که سلطان جنگل است کشته شده و حیوانات قوی، دادگاهی ترتیب داده‌اند تائنسانی را به جرم قتل آهو محاکمه کنند و در جریان این دادگاه انسان که به چشم خود شاهد کشته شدن بجهه‌آهو بوده، حیوانات ضعیف را در جریان واقعیت قضیه قرار داده و آنان را به متعدد شدن و ایستادگی در برابر سلطان جنگل و اطرافیان او که حیوانات قوی هستند، تحریک می‌کند و ...

گنجاندن این نمایش در بخش کودکان جشنواره را تنها می‌توان یک اشتباه سه‌وی یا شاید هم عمدی دانست. چرا که داستان نمایش نه تنها ارتباطی با کودکان و دنیای ذهنی آنان ندارد، بلکه برای بسیاری از کودکان و حتی نوجوانانی هم که به دیدن آن آمدن غیرقابل هضم بود و در گفتگویی که با کارگردان داشتیم وی نیز مدعی بود که گنجاندن این نمایش در بخش کودکان برخلاف نظریه و خواست وی بوده و این کار اصولاً برای کودکان نوشته و طراحی نشده و از این نکته که بگذریم باید اشاره‌ای به شیوهٔ بیانی نویسنده، یعنی استفاده از سمبول‌ها داشته و این نکته را متدذکر شویم که اصولاً "استفاده از بیان استعاری و بهره‌گیری از نمادهای سمبولیک یکی از

جوانان نیز میشود و نیرویی که میتواند صرف خلاقیت‌های فرهنگی و هنری شود بی‌دلیل از دست میرود.

فرخند میرمعنوی، در بخش دیگری از حرف‌هایش گفت: «اگر قبول داشته باشیم که زن نیمی از پیکره، جامعه است و این حق به او داده شده که در امور مختلف اجتماعی فعالیت داشته باشد، دلیلی ندارد در تئاتر که داستان زندگی است جای زن خالی باشد.

وی در ادامه سخنانش متذکر شد:

— البته این نکته را هم بگویم که حتی وقتی خانواده‌ای با فعالیت هنری فرزندان خود موافقت داشته باشد، به دلیل نداشتن ارتباطات امکان به نتیجه رسیدن برایش وجود ندارد من به پشتونه، حمایت برادرم که نویسنده، کارگردان و بازیگر تئاتر است به صحنه راه پیدا کردم. اما در این میان، تکلیف دیگرانی که از این امکان برخوردار نیستند، چیست؟

از فرخند میرمعنوی سوال شد که برای رفع این مشکل چه پیشنهادی دارد؟ وی جواب داد:

— به نظر من بهتر است در دبیرستان‌ها به موازات رشته‌های مختلف درسی (نظیر ریاضی - فیزیک، تجربی، اقتصاد، فرهنگ و ادب ...) رشته‌ای نیز برای هنر تئاتر، سینما، گرافیک، صنایع دستی و ... دایر شود تا نوجوانانی که علاقمندان به هنرهای پاد شده هستند و استعدادی هم در این رابطه دارند بتوانند در آن به ادامه تحصیل داشته باشیم، امکاناتی برای بهره‌گیری از توان و تخصص آنها نیز فراهم می‌آید.

لعله‌با دو بازیگر حزم دال

در نمایش یاران دو بازیگر خردسال به نام‌های پریسا پور صفری و فرانک زیده سراجی به ایفای نقش پرداختند که بازی خوبشان و تسلطی که بر نقش خوبیش داشتند باعث جلب توجه تماشاگران شد و به اعتبار توفیق این دو بازیگر در اجرای نقشی که به عهده داشتند بر آن شدید تا در پایان نمایش گفتگوی کوتاهی با آنان داشته باشیم.

نمایش نداشتند، اضافی جلوه نکنند و در جای خود و ضمن هماهنگی با بقیه، با یگران خوب بدرخشند.

مزیت دیگر این نمایش که در خورتامل میباشد استفاده درست و به جای کارگردان از سهیل‌ها بود و اگر شیوه، بیانی نویسنده و کارگردان را قبول داشته باشیم جایگزینی بعضی حیوانات به نقش‌های مثل زرافه در نقش خبرچین، خرس در قالب ابرقدرت شرق، ببر در نقش ابرقدرت غرب و سگ در قالب نگهبانان و... جای تامل زیادی داشت. به هر حال، این نمایش، اگرچه خاص کودکان طراحی نشده و برای کودکان مناسب نبود، اما پیامی برای همه، اعصار و همه، جوامع را در خود مستتر داشت و آن اینکه ضعفا در صورت متعدد شدن با یکدیگر توانایی غلبه بر هر قدرت فاسد و ظالمی را دارند و برای به اتحاد رسیدن آنان آکاهی پیدا کردن نقشی اساسی دارد.



با "فرخند میرمعنوی" تنها بازیگر زن نمایش یاران درمورد مشکلات تئاتر در شهرستان‌های کوچک و به ویژه فعالیت زنان و دختران در این هنر صحبت کرده‌ایم.

* متن افانه در اکثر شهرستان‌های ایران هنر و خصوصاً "هنر تئاتر" حالتی شناخته شده ندارد و اکثر خانواده‌ها به فعالیت فرزندان و به ویژه فرزندان دختر خود در این هنر، زیادخوش بین نیستند و این امریکی از اصلی‌ترین اشکالات تئاتر شهرستان‌ها و باعث فقر نمایش‌نامه‌پس، بازیگر و کارگردان در شهرستان‌ها میباشد مضافاً "به اینکه مخالفت خانواده‌ها با کارهای هنری جوانان باعث ائتلاف نیرو و تباہی استعداد و توان بسیاری از

از پریسا پورصفیری سؤال شد: براحتی سخت نبود که در این آزمون بزرگ شرکت کنی و در برابر (به قول خودت) اینهمه تماشاگر روی صحنه بروی؟
وی جواب داد:

ـ نه، برای اینکه هم آموخت کافی دیده بودم، هم تعریف کافی داشتم و هم اتکا به نفس فوق العاده زیادی داشتم و در رابطه با این اتکا به نفس باید بگویم که متأسفانه بیشتر پدر و مادرها



"خصوصا" در شهرهای کوچک استعدادهای فرزندانشان را جدی نمی‌گیرند و همین امر اولین قدم در راه بی‌اعتمادی نوجوانان نسبت به خودشان و توانایی‌هایشان است. در حالیکه من نه تنها استعدادم جدی گرفته شد، بلکه از حمایت پدر و مادرم نیز برخوردار شدم و الان با جرات می‌توانم بگویم برخلاف تصور کسانی که فکر می‌کنند فعالیت‌های هنری نوجوانان مانع درس خواندن آنان است، من نه تنها از تحصیل باز نماده‌ام، بلکه مطالب زیادی نیز از طریق دیدن تئاترها و نمایشنامه‌های مختلف یاد گرفتم.

این دو بازیگر خردسال، در پایان گفتگوی کوتاهی که با هم داشتیم، از آقای فریبرز زیده‌سرایی به عنوان اولین معلم و از آقای رضا میرمعنوی به عنوان مشوق و حامی خود نام برداشتند و تأکید داشتند که اعلام کنیم تئاتر را جدی گرفتماند و هرگز از آن جدا نخواهند شد.

ـ فرانک زیده‌سرایی که فقط یازده سال سن دارد و فرزند "فریبرز زیده سرایی" هنرمند قدیمی و پرسابقه تئاتر گیلان می‌باشد در جواب این سؤال که چرا به تئاتر روی آورده و در این رابطه از تشویق‌های چه کسی برخوردار بوده گفت:

* پدرم با ۲۵ سال سابقه کار تئاتری یکی از برجسته‌ترین چهره‌های تئاتر گیلان به حساب می‌آید و همیشه اصرار داشت و دارد که من با هنر تئاتر و زوایای مختلف آن آشنا شوم و اصرار ایشان در رابطه با آشنایی من با تئاتر و سیله‌ای شد تا بتوانم از تئاترهای مختلفی که به صحنه می‌آمد دیدن کنم و به این جهت بعد از مدتی عشق و علاقه‌ای به تئاتر در خود احساس کردم و موضوع را با مادرم در میان گذاشت و ایشان نیز با نظر مساعد، موضوع را به اطلاع پدرم رساند و همان‌طور که انتظار داشتم پدرم نیز با فعالیت‌هایم در تئاتر موافقت کرد و به این ترتیب وارد دنیای تئاتر شدم.

فرانک زیده‌سرایی که به گفته خودش فعالیت‌های هنری را در مدرسه شروع کرده و مدتی بعد از آغاز فعالیت‌هایش امکان راه یافتن به جشنواره سراسری تئاتر فجر را به دست

آورده و هنرمند در سطحی وسیع به معرض قضاوت گذاشته شده، احساس خوبی نسبت به تشویق‌های مردم داشت و معتقد بود که اگر توفیقی به دست آورده این موفقیت را مرهون تشویق‌های پدرش و زحمات (کارگردان نمایش) می‌باشد.

پریسا پورصفیری دیگر بازیگر خردسال این نمایش یازده ساله است در رابطه با شروع فعالیت‌های هنریش گفت:

ـ اولین بار هنگام تحصیل در مدرسه متوجه علاقه و استعدادم به هنر بازیگری تئاتر شدم و یکی از معلم‌مان به نام خانم زیده سرایی اولین کسی بود که متوجه موضوع شد و بعد از آنکه خانواده‌ام در جریان قرار گفتند و با فعالیت‌هایم موافقت نمودند با راهنمایی آقای زیده‌سرایی که به حق یکی از استادان هنر تئاتر گیلان هستند کارم را شروع کردم.

پریسا پورصفیری در رابطه با ساقه فعالیت‌های تئاتریش گفت:

ـ قبل از ایفای نقش در این جشنواره، طی نمایش‌هایی که در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به روی صحنه آمده بازی داشتم و این اولین باری است که در برابر اینهمه تماشاگر روی صحنه می‌روم.

خرس های مردباره



مُحَمَّدْ بِرَامِي

۱۲

اگریک مقدار از کمکی که به سینما می شود به تئاتر بشود ...

پروبال دادن به جوانهای مستعد شهرستان مطمئناً " موجب گسترش تئاتر خواهد شد

نداریم با لاخره ما هم علاقمند تئاتر هستیم و حقیقی داریم، به حال دیگران هم باشد تا حدی وضع ما را درک کنند.

"ساسان کاویانی" می گوید: در این سرمهاد رصف با استیم و با هزار در در سر بلیط تهیه کنیم اما باید سالن راه ندهند و آخ رس هم محترمانه بگویند بای پولتان را پس بگیرید. مسئولان جشنواره حداقت نمایش‌های بخش مسابقه را در سالنهای بزرگ و پر ظرفیت می گذارند. این سالنهای اضافه می کردند که کسی پشت در نمایند.

"رشید جوادی" که می گوید از شهرستان برای دیدن جشنواره به تهران آمده است به خبرنگار خبرنامه گفت: "دوازده نمایش از شهرستانها در بخش مسابقه جشنواره شرکت دارند و به نظر من راه حل مناسب برای مرکز هنرهای نمایشی توجه به تئاتر شهرستانها است. پروبال دادن به جوانهای مستعد شهرستانی مطمئناً " موجب گسترش تئاتر خواهد شد. دره خبرنامه شما خواندم که سرپرست مرکز گفته است متن های نمایشی خوب را می خرم و چاپ می کنیم. این کار خیلی خوبی است فقط باید تا آنجایی که می توانید روی این مسئله تبلیغ

هیچ توجیهی برای غیبت خانمها و مردانه بودن جشنواره وجود ندارد

با در در سر بلیط تهیه کردیم اما به سالن راه ندادند و محترمانه گفتند باید پولتان را پس بگیرید.

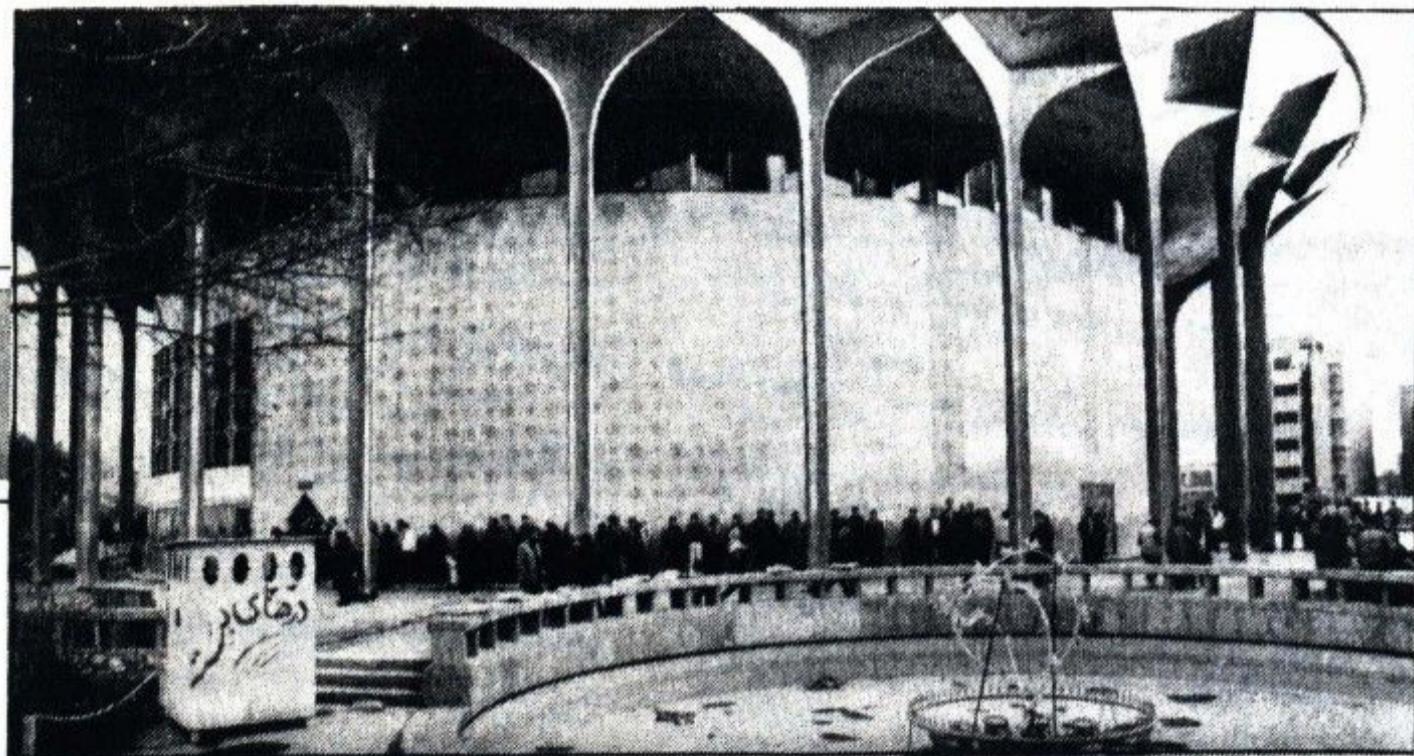
هجوم، هیا هو، تشکیل صفحهای طویل در مقابل گیشه ها و تلاش برای یافتن جایی که بتوان نمایشی را دید. این همه استقبال خارج از تصویر بود و در نتیجه اکثر علاقمندان موفق به دیدن نمایشها نشدند. "علی جمالی" یکی از تماشاگران به خبرنگار گفت "بیشتر کسانی که برای دیدن نمایش می آیند بجهه های شان هم همراه شان هستند و هر کدام از این بجهه های نیز یک صندلی را اشغال کرده اند. آنوقت گروهی باید سرپا نمایش را ببینند.

برگزارکنندگان تمام بروشورها نوشته اند دور و د اطفال کمتر از ۵ سال به تالارهای نمایشی ممنوع است، اما عملاً این دستور العمل در هیچ کدام از سالنهای به جزتا لاره هنر که مخصوص کودکان است اجرانشده است. حالا همه اینها بجای خود گریده گاه و بیگانه بجهه ها و آب خواستن و درخواستهای دیگران از پدر و مادرها نیز مانع توجه تماشاگران به نمایش می شود. این موضوع را با چند پرسش - مادر که با بجهه های شان یه یکی از سالنهای نمایش آمده بودند در میان گذاشتیم. همه آنها می گفتند که کسی را نداریم تا بجهه ها را پیش آفهای بگذاریم و مجبوریم که همگی به سالن بیاییم، چاره ای هم

همزادانسان است و از وقتی که انسان آفریده شده، این هنر هم بوجود آمد." امامت افسانه می بینیم که سینما بیش از تئاتر مورد عنایت مسئولان قرار می گیرد. برای سینما گران آماتور کلاسیک گذارند، جشنواره برگزار می کنند، وسائل در اختیار شان می گذارند و خلاصه کمکها بی به سینما می کنند که شاید تئاتر و هنرمندان آماتورو علاقمندان این هنرحتی یک گوشکوچ آنهم بصیباش نشود. گویا قرار است واقعاً " فکری به حال تئاتر بشودوا میدوaram که این فکر هرچه زودتر به مرحله اجراء در بیان یافته جشنواره سال آینده پربارتر برگزار شود.

کنید آنوقت ببینید چقدر متن از گوش و کناره مرکزبرسد . فقط از علاقمندان بخواهید که متن را مستقیماً " به مرکز بفرستند. البته برای مسئولان شهرستانی سوتفاهم نشود، به نظر من اینطوری که اربه ترو سریعتر پیش میرود. شما فقط یک آدرس اعلام کنید ."

" لیلا احمدی " یکی دیگر از تماشاگران نمایشها جشنواره می گوید: " امسال به جزیک خاتم و کارگردان و چند بازیگر زن که تعدادشان شاید از شمار انگشتان یک دست هم بیشتر باشد ما اثری از زنها در جشنواره نمی بینیم . نمی دانم هنرمندان تئاتر زن کم داریم یا مشکل از جایی دیگری است . لازم



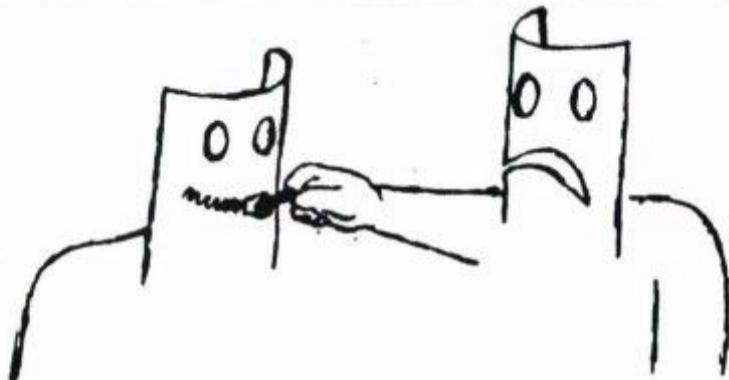
"علی مصورزاده" که در تالار محراب باخبرنگار مأگفتگومی کرد، اظهارداشت: " یکی از کارهای خوب، گنجاندن نمایش‌های سنتی در بخش جنبی جشنواره است . به حال این نوع نمایشها متعلق به این سرزمین هستند و با یادکه مورد توجه قرار گیرند، مخصوصاً " که داستانها و آدمهای این داستانها نزدیکی خاصی با اعمه مردم دارند . "

اکثر کسانی که در گفتگو با خبرنگار مارکت کردند از اینکه نتوانسته اند بعضی از نمایشها را ببینند گله داشتند . به نظر من حق هم با این دوستداران تئاتر است و پاسخ به این همه علاقمندی را باید برگزار کنندگان جشنواره بدنه وسیعی می کنیم در شعبه ای بعد از خبرنا ماین پاسخ را داشته باشیم .

است مرکزهای نمایشی برای حل این مشکل فکر اساسی کند . چاره کارهای در تشكیل کلاس‌های آموزشی تئاتر شهرستانها و توجه تئاتراتراست . نمی دانم چرا این مشکل در سینما وجود ندارد؟ مگر یک هنر قابل قبول نیست؟ به نظر من هیچ توجیهی برای غیبت خانمها و مردانه بودن جشنواره وجود ندارد ."

" سیروس محمدی " با اشاره به صفت طویل مقابل گیشه تئاتر شهروش لوگی تالارهای نمایشی می گوید این از دحام با توجه به اینکه قیمت بلیط هم نسبت به قبل گرانتر شده است، نشاندهنده علاقه مردم به تئاتر است . جناب آقای خاتمی وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی گفته اندکه " هنر تئاتر

پا خ پشت دستها و قلبها



کذاشت، حیدر...
سومی: عطرگلهای محمدی هوارا پرکرده
عطرگلهای محمدی دیوانه‌ام میکنه،
دومی: کبوترای اما مزاده چه شوری به پا
کرده‌اند

چهارمی: عباس، علمدار "

این انسانها مسلمان هستند و مسلمان "از حضرت
زهرا توسل می‌جویند....

آخرچرا اجرائیلیسم است ناتورالیسم است
فرمالیسم و سمبولیسم است، اگر هست یا
نیست به چه دلیل به کدام وجه تشابه به کدام
وجه تفارق، فرمایلیسم یعنی چه؟ رئالیسم
یعنی چه؟... خصوصیات نمایش چه بود؟ خصوصیات
این مکتبها چیست، چرا بازیگری ساختگی
است، آرتیست بازی است، چرا اجراساکن
است، چرا وجود گل حیرت زنی که در این راه -
بوسیله گرگها خونش ریخته شد و تا آخرین لحظه
حیات فریاد است مقامت زده است و اکنون یادا و
حرکت دهنده است ضروری نیست، چرا و چندی
سوال دیگر.

دوست من شما از من انتظار اصول اولیه و
بدیهی را دارید پس چرا این چنین بی‌حرمتی
رواییداری دومن و گروه مارا، "شترگا و پلنگی"
نام می‌نهید. سخن بسیار دارم اما مهمین بس
که.....

با هم مهربان ترباشیم
والسلام
امیر دزاکام

در خبرنامه شماره ۴ نوشته‌ای را تحت عنوان
نگاهی به نمایش دستها و قلبها خواندیم و بنده
بعنوان نویسنده و کارگردان این نمایش نکات
بسیاری آموختم.

نمایش فرمایلیسم است، سمبولیسم، ناتورا-
لیسم، رئالیسم است، آدمهای تیپ هستند
نه شخصیت، مجازبه نمایش شتروگا و پلنگ
نیستیم، شعر کلاسیک از کلمات کامپیوترا
و اتم استفاده نمیکند. بازیگری ساختگی
است، در جایی نوشته شده مثل آرتیست‌ها
است و در جایی دیگر، مثل لوطیه‌ای زیرگذر
است، متن کنش ندارد! متن شعار زده است
متن با تماسگرا ارتباط برقرار نمی‌کند، اجرا.
ایستاد است، دست آخر به عنوان حسن ختام
فرمایی زیبا و بدون معنا از نکات قوت کار است
و بنده با چنین کار نامه‌ای آینده، درخشناد
دارم.

عجب، عجب از این نوع نقدنویسی که بیشتر
شکل دیگری دارد. آخر نقد را برای بهتر شدن
کار نمی‌نویسند یا زدن پنبه، آن ...

ای کاش در مردم تما می‌این مطالب یک دلیل
یا یک برها و وجود میداشت مثلًا "توسل
شخصیت دومی از حضرت زهرا بی‌دلیل است" چرا
که متن نشانی فرهنگ اسلامی ندارد.

فقط به ذکر چند دیالوگ بدون تحلیل اکتفا
می‌کنم،

چهارمی: "پدرم توشبیه خوانی علمدار بود
برام یکانگشت رعیق و یک شمشیر به ارث -

وزیر ارشاد: رهنمودهای امام فضای سالمی را برای فعالیت‌های هنری بوجود آورده است

فعالیتها و ایجاد امکانات
فرهنگی به ارشاد داده شده تا
آن دنیا می‌نماید هم شده است گرچه
نیاز است اما افق آینندروشن
است

ملاقیندان جدی و پیگیر
هتر و پیغام رسانی می‌توانند
مشروط این مصاحبه را نداشته باشند.

فرهنگوارشاد اسلامی
جیمایی پامجله «فنايش»
و ارشادات اخیر
عام را منشاء برگات
انهار امیدواری کرد
الملی که بسیج وجود
ت، دستانبر کاران
از تک نظر، ها

مشویلیت بیشتر و
ملکهای بیشتر و
ملکه اب رشدخواز
ملکه در شکل

卷二

一

٩٦

جِسْمَار

میثان

فراهمی درست و حساب شده‌دار «برخورد نزدیک»

برخورد نزدیک - بخش زدودن هر توری است که های مختلف تعایش می کنارند. پخواهد روند تکاملش را سد (منولوگه های عمر کور، تعطه اوج این ضمیر است). آنجاکه نماید.

انسانی دستهایه می نیز و کار مردانه
خوسمیات خوبی برخوردار
است و تحرک نمایشی را در
لحاظاتی در بطن خسود دارد.
هر کور، فرزند «زنوس»
ام خیابان نگهبان دروازه
نوبنده و کار مردانه .

جدای حمیم نطقه کائنات شاهد
آن خرین میگشند و...). اما متن کام
کشدار و در بیان آنچه که
من خواهد بگویید دهار
آنکه از مرز انسانها،
خرافات و خدایان گذشته،
تبا عرصه حقیقت و آزادی
است. خود

«هاتف» پسری راهی جبهه میشود

بعض مایه - هاتف
و به کونهها و اهکال مختلف
بارها شاهد آن بوده‌ایم.
تویینده، «نویخت»
در «هاتف» حرکت هویت
ذاتی‌اش را علی داغم گفت
کار گردان: «ضاقه‌مانی»
نمایش ندارد و تنها بهانه‌ای
از خانه کار گر تهران
که همچنان که داستان.

از جمله دورهایی که در این سال می‌گذرد،
سالن چهارسو تئاتر شهر
«خیاطی پیری با زحمت»
سالها فرزند بی‌مادر شد از برگ
رگایت نشده است مهترین
نکته‌ای که می‌توان در مورد
لطف این روز بگوییم

هاتف»، پسری راهی جبهه هیشود

به 'گونه‌ها و اشکال' مختلف استاتیک را می‌داند.

بارها شاهد ان بودهایم در «هاتم» حرکت هوتی ذاتی تراوید و تها بهانه‌ای

نمایشی ندارد و همچنان
است برای گفتن یک داستان.
لایه ای گفته این داستان هم

اما در میان ساده‌ترین معیار های هنری،
اعایت نشده است مهمترین

نکته‌ای که می‌توان در مورد
بغداد یکم این

— 1 —

خبرنامه شماره ۷

ششمین جشنواره سراسری تئاتر فجر

۱۳۶۶ آبان ۲۲ ماه



به کوشش: ناصر بزرگمهر
ویراستار: محمد وحدانی

طراح و صفحه‌آرا: انسو شیروان میرزا فی کوچک سراجی
تاپ مطالب: پرویز میرزا حسینی - رخشی غربا - زهرا زینکنه
عکس: پرویز خیرخواه - سعیدنیک نژاد
تکثیر: حسین یوسفی کیا

با مطالبی از: محمد بهرامی - محمد رضا حسن بیگی - نصرالله قادری -
حسین عفری - امیر دژاکام

سایر همکاران: طیبه محمودی - مریم کباریان - آذر عباسزاده -
ناذر خاکشی ندا - مرتضی مهاجر - محمد مختاری

۲۲-۱۲ بهمن ۶۶

سینما

ششمین جشنواره
جمهوری اسلامی ایران

